

بررسی تحلیلی روایی عنصر «بصیرت» در یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه

محسن رحیمی جعفری *

رحیم کارگر **

چکیده

یکی از مباحث مهمی که اخیراً وارد ادبیات سیاسی اجتماعی کشور شده و در اندیشه دینی ما دارای ریشه عمیقی است، «بصیرت» است. بصیرت، شناخت و معرفت درست و عمیق است که دارای ابعاد و مؤلفه‌های زیادی است.

بدیهی است ویژگی‌های یاران امام عصر ع هر کدام قابلیت بررسی جداگانه دارد. آنچه در مقام بیان آن هستیم، حرکت امام زمان ع و در پی آن حکومت و گسترش عدالت در سراسر گیتی است که تحقق آن علاوه بر رهبر الهی به ویژگی‌های همراهان ایشان بستگی دارد تا این توفیق عظیم حاصل شود. آن مشخصه خاص در یاران امام زمان ع بصیرت است که با توجه به فلسفه بعثت انبیای الهی و اهل بیت علیهم السلام بر حکومت جهانی و الهی بوده است؛ اما به دلیل عدم بصیرت اطرافیان خاص در تحقق آن ناکام ماندند.

در این نوشتار با روش توصیفی- تحلیلی با رجوع به آیات و روایات قرآن به عنصر بصیرت در ابعاد مختلف، اعم از اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و عملی در رابطه با یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: بصیرت، بصیرت اعتقادی، بصیرت عملی، بصیرت سیاسی، بصیرت اجتماعی.

مقدمه

انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام دارای یاران، اصحاب و کارگزارانی است که با تمام وجود در خدمت این نهضت الهی هستند. اینان دارای ویژگی‌های برجسته و اوصاف بی نظیری هستند که به جهت وجود این ویژگی‌ها، شایستگی همراهی با انقلاب جهانی را پیدا کرده‌اند.

از آن‌جا که ویژگی یاران حضرت مهدی علیه السلام آیات و روایات متعددی را به خود اختصاص داده و تحلیل و بررسی این حجم از آیات و روایات از یک مقاله فراتر می‌باشد؛ بر آن شدیم این نوشتار را به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یاران آن حضرت، یعنی «بصیرت»، اختصاص دهیم. بصیرت، ویژگی درونی و واقعی اصحاب و یاوران حضرت مهدی علیه السلام است که در پرتو آن، ضمن شناخت درست راه حق، می‌توانند در تمام سختی‌ها و فتنه‌ها کنار حضرت قرار گیرند و خوف و ترس به خود راه ندهند.

عصر ظهور، دوران حیات طیبه و حیات معقول انسانی است؛ عصر حاکمیت عقلانیت و بصیرت افراد و جوامع و دوره بهتر زیستن و کمال‌گرایی است که کم‌تر نظیری می‌توان برای آن تصور کرد. در این عصر، تمامی ظرفیت‌ها و استعدادهای فطری و عقلی انسان، شکوفا می‌شوند و با شناختی همراه با بصیرت و عقلانیت، حیات نوینی فرا روی او گشوده می‌شود؛ چنان‌که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلًا مَنِّي فِيمَلَأَهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ اگر از دنیا یک روز بیش باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی از تبار من ظهور کرده و زمین را چنان‌که پر از ظلم و ستم شده، از عدل و داد پر کند (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۷۷).

این وعده الهی به طور حتم در پرتو یاران با بصیرتی خواهد بود که یک لحظه تردید و تزلزل در اطاعت محض از امام زمان خود نخواهند داشت؛ اگر چه گرد بادهای سهمگین تردیدهای دینی، دنیایی، معرفتی و وسوسه‌های اطرافیان و غیره، از هر طرف به شدت وزیدن

خواهد گرفت. در سایه این اعتقاد پولادین، تمام موجودات عالم شهید عدالت را خواهند چشید. البته در زمینه بصیرت مقالات متعددی به چاپ رسیده و مطالب فراوانی گفته شده است؛ ولی در زمینه یاران امام عصر علیه السلام و در خصوص این ویژگی نوشته ای یافت نشد. مقاله پیش رو نکته مذکور را محور مطالب خود قرار داده تا به تحلیل و بررسی دقیق تری در این زمینه دست یابد.

بصیرت و جایگاه آن در معارف دینی

برای فهم بهتر و تبیین کامل تر بحث، ابتدا لازم است معنای لغوی و اصطلاحی «بصیرت» بیان شود.

«بصیرت» در لغت به معنای دانایی، بینایی، بینایی دل، هوشیاری، زیرکی و یقین است (معین، بی تا، ج ۱: ۵۴۶). برخی در معنای اصطلاحی بصیرت می گویند:

بصیرت قوه قلبی یا نیرویی باطنی است که به نور قدس روشن گردیده و از پرتو آن، صاحب بصیرت، حقایق و بواطن اشیا را در می یابد. بصیرت به مثابه بَصَر (چشم) است برای نفس (جمعی از محققان، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۷۱).

از این رو بصیرت، انسان را از حیرت و تشویش و تردید می رهاند و هرگونه شبهه ای را طرد می کند؛ چنان که صاحب منازل السائرین می گوید:

الْبَصِيرَةُ مَا يُخَلِّصُكَ مِنَ الْحَيْرَةِ؛ بصیرت چیزی است که تو را از حیرت خلاص می سازد (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۳: ۱۸۹).

در پرتو چنین ویژگی بی نظیر، فرد می تواند در مسیر امام زمان خود حرکت و از فتنه های عظیم به سلامت عبور کند.

بصیرت به تعبیر امیر المؤمنین علیه السلام، یعنی مشاهده درست و دقیق حوادث، تفکر و تدبّر در آنها و سنجیدن مسائل و حوادث. بنابراین، بصیرت شامل آگاهی علمی و آگاهی عملی (همراه با نکته سنجی، درایت و فهم) است. در واقع بصیرت، همان بینش درست در شناخت حوادث، رویدادها و انتخاب صحیح و اقدام به موقع بر اساس این معرفت است.

قرآن کریم خطاب به پیامبر بزرگوار اسلام، اساس بندگی و پذیرش اسلام را بصیرت معرفی می‌کند:

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؛ ای رسول ما! امت را بگو طریقه من و پیروانم همین است که خلق را با بینایی و بصیرت دعوت می‌کنیم (یوسف: ۱۰۸).

در حقیقت در سراسر تاریخ، انبیای الهی و اهل بیت علیهم‌السلام به دنبال تربیت افراد با بصیرت بودند؛ چرا که گاهی یک فرد بی‌بصر با بصیرت برای امام بسیار ارزشمندتر از افراد با بصر بی‌بصیرت بوده است؛ چون امام در پیش چشم آنان بود و آنها، آن حضرت را نمی‌دیدند. ابو بصیر می‌گوید:

با امام باقر علیه‌السلام وارد مسجد النبوی شدیم. امام علیه‌السلام فرمود: از مردم پرس مرا می‌بینند؟ از هر که پرسیدم که آیا ابو جعفر علیه‌السلام را دیده‌اند یا نه؛ پاسخ منفی بود! در این هنگام ابوهارون که نابینا بود، وارد شد. حضرت فرمود: از او هم پرس! پرسیدم آیا ابو جعفر علیه‌السلام را در مسجد می‌بینی؟ فوراً پاسخ داد: مگر کنار تو نایستاده است! پرسیدم: از کجا دانستی؟ گفت: چگونه ندانم، در حالی که نور درخشانده‌ای از او ساطع است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶: ۲۴۳).

برای درک بهتر این ویژگی لازم است به وضعیت و نحوه برخورد و استقامت یاران ائمه معصومین علیهم‌السلام و عکس العمل آن سلاله‌های پاک عترت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هر چند مختصر، گذری تاریخی داشته باشیم:

بعد از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ابتدا به کلام صدیقه طاهره علیه‌السلام در مسجد پدر برای دفاع از امام زمان خود اشاره می‌کنیم که فرمود:

يَا مَعْشَرَ النَّبِيِّينَ وَ يَا عِمَادَ الْمِلَّةِ وَ حَصَنَةَ الْإِسْلَامِ مَا هَذِهِ الْفِتْرَةُ فِي حَقِّي وَ السُّنَّةُ عَنْ ظُلْمَتِي...؟! ای یادگاران زمان پیامبر و ای عماد ملت، و ای حصن اسلام این چه فترت است در حق من، و این چه غفلتی است از ستم بر من (اربعلی، ۱۳۸۱: ج ۱: ۴۸۹).

در حالی که مسلمانان به دعوت حضرت زهرا علیه‌السلام پاسخ مثبتی ندادند؛ در برابر آن می‌بینیم

که به محض اعلام ظهور، با وجود خطرات همه جانبه و تنهایی امام، یاران خاص (۳۱۳ نفر) در کمترین زمان خود را به حضرت رسانده، بیعت و اطاعت کامل خود از حضرت مهدی علیه السلام را اعلان می‌کنند (عاملی، ۱۴۲۵، ج ۵: ۱۴۶) و این، همان بصیرتی است که این مقاله به آن پرداخته است.

همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنان متعدد، با عباراتی مختلف مطالبی فرمودند که حاکی از نبود یاران با بصیرت است. وقتی رنگ بی بصیرتی، یاران ایشان را فرا می‌گیرد، آن حضرت می‌فرماید:

ای کسانی که شبیه مردان هستید، و حال آن که مرد نیستید! (نهج البلاغه: خطبه ۱۲۷).

البته همیشه اندکی یاران با بصیرت که در این ویژگی همانند یاران امام عصر علیه السلام بودند؛ وجود داشته‌اند. لذا در جایی دیگر امام علیه السلام از یاران با بصیرت خود سراغ می‌گیرد:

أَيْنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ أَيْنَ عَمَّارٍ وَ أَيْنَ ابْنِ التَّيْهَانِ وَ أَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَ أَيْنَ نَظَرُواهُمْ مِنْ إِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ تَعَاقَدُوا عَلَى الْمَنِيَّةِ وَ أُبْرِدَ بِرُءُوسِهِمْ إِلَى الْفَجْرَةِ قَالَ ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ [إِلَى] عَلَى لِحْيَتِهِ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ فَأَطَالَ الْبُكَاءَ...؛ کجایند برادران من؟ همان‌ها که در مسیر صحیح گام نهادند و در راه حق پیش افتادند؟ کجاست عمار؟ کجاست ابن تیهان؟ و کجاست ذوالشهادتین^۳ و کجایند همانند آنان از برادرانشان که پیمان جانبازی بستند و سرهایشان را برای ستمگران فرستادند (همان: ۱۸۲).

نیز در مورد مالک اشتر، وقتی خدمت امام زمان خود رسید، حضرت به وی فرمود:

۱. عمار، فرزند یاسر از نخستین مسلمانان بود، و در تمام جنگ‌ها در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام شرکت داشت و در جنگ صفین شهید شد.
۲. مالک بن تیهان از بزرگان صحابه بود که در جنگ بدر شرکت داشت و در جنگ صفین شهید شد.
۳. پیامبر صلی الله علیه و آله به خزیمه بن ثابت انصاری لقب «ذوالشهادتین» داد. شهادت او به جای شهادت دو نفر به حساب می‌آمد.

مَا الَّذِي أَذْخَلَكَ عَلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ يَا مَالِكُ؟ فَقُلْتُ: خَيْرًا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ شَوْقِي إِلَيْكَ فَقَالَ: صَدَقْتَ وَاللَّهِ يَا مَالِكُ؛ أَي مَالِكِ چَه چیزِی باعث شد در این دل شب نزد من آیی؟ گفتیم: در پی سعادت و شوق و محبتم به شما. فرمود: «به خدا راست می‌گویی ای مالک!... (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۲۷).

و هنگام شهادتش فرمود:

مَالِكُ وَمَا مَالِكُ لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فِنْدًا وَلَوْ كَانَ حَجْرًا لَكَانَ صَلْدًا ... مالک، چه مالکی! به خدا اگر کوه بود، در سرافرازی، کوهی بود و اگر سنگ بود، سنگی سخت و محکم بود... (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۳).

البته دلیل ما بر شباهت این یاران اندک با یاران خاص حضرت روایاتی است که دال بر رجعت آنان در عصر ظهور و یکی شدن آنان با یاران حضرت می‌باشد!

شهید مطهری در تعریف روشن بینی یا همان بصیرت که تجلی آن در رفتار امام حسین علیه السلام بود، می‌نویسد:

روشن بینی یعنی چه؟ یعنی حسین علیه السلام در آن روز چیزهایی در خشت خام می‌دید که دیگران در آینه هم نمی‌دیدند (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۸۴).

با اندکی دقت، حلقه گمشده این دوران را می‌توان همان بصیرت و روشن بینی عالمانه و دینی دانست که اهل بیت علیهم السلام در پی این ویژگی در یاران خویش بوده‌اند.

در نتیجه ما بر آن شدیم در پی ویژگی خاصی از یاران باشیم که در زمان تنهایی امام زمان علیه السلام در کنار ولی خدا باشند؛ نه فقط برای امام گریه کنند؛ بلکه کسانی باشند چون سلمان و مقداد برای زهرای اطهر علیها السلام و چون مالک اشتر برای امیرالمؤمنین علیه السلام.

مولفه‌ها و ابعاد بصیرت و جایگاه آن نزد یاران امام

«بصیرت»، روشن بینی، اندیشمندی، دانایی حکیمانه و انسانی است که همچون چراغی

۱. رجوع شود به کتاب الشیعه و الرجعه، نوشته مرحوم آیت الله محمدرضا طبسی، ج ۱: ۱۵۸. در این کتاب در زمان رجعت خوبان برای یاری امام عصر علیه السلام به رجعت سلمان فارسی، مقداد و مالک اشتر اشاره شده است.

پرنور در شب تاریک جلو انسان را روشن می‌کند و راه کمال و انسانیت را برای وی نمایان می‌سازد و سقوط او را در جهالت، ضلالت و فتنه‌ها مانع می‌گردد (کارگر، ۱۳۸۹: ۲۸). این بصیرت، به عنوان ویژگی برجسته یاران امام زمان علیه السلام مورد توجه جدی روایات بوده است. از آن‌جا که بصیرت، واژه ای عام است، نمی‌توان آن را به یک ویژگی منحصر دانست؛ بلکه باید از ابعاد گوناگون، آن را در مورد یاران امام عصر علیه السلام بررسی کرد. بنابراین، سعی شده است بصیرت از جنبه‌های متعددی که در روایات آمده، مورد واکاوی قرار گیرد.

۱. بصیرت اعتقادی

مهم‌ترین بُعد در بصیرت، «شناخت» است؛ یعنی انسان با بهره‌مندی از شناخت درست و اصولی، در رهروی از امام خود، هیچ‌گاه به شک دچار نشود و از موانع در مسیر به آسانی عبور کند. شخص بصیر، بدون داشتن شناخت واقعی، دارای شخصیتی ناقص است؛ چنان‌که امام کاظم علیه السلام به حسن بن عبدالله فرمود:

ابوعلی! حالتی در تو هست که من دوست دارم و مرا شادمان می‌کند. تنها نقص تو این است که شناخت و معرفت نداری. باید به دنبال آن بروی و آن را به دست آوری (کلینی، بی تا، ج ۱: ۲۸۶).

از آن‌جا که انسان بصیر دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است، در ابعادی که بحث می‌شود، اگر چه در کلیت هر بُعد افرادی همگن با آن‌ها وجود دارند؛ در ترازوی الاهی، اعمال آن‌ها که بی‌بصیرتند، ارزشی ندارد؛ در این جهت خداوند می‌فرماید:

وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا؛ هر که حکمت یافت، خیری فراوان یافت (بقره: ۲۶۹).

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

منظور از "حکمت" معرفت و بصیرت است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۵۱).

نیز در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند:

حکمت اطاعت خدا و شناختن امام است (کافی، بی تا، ج ۱: ۱۸۵).

امام علی علیه السلام در زمینه بصیرت همراه با شناخت یاران امام زمان علیه السلام می‌فرمایند:

رجالٌ مؤمنونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُم أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ مردانی که خدا را آن چنان که شایسته است، شناخته‌اند، و آنان یاوران مهدی علیه السلام در آخرالزمان‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷: ۲۲۹؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۶۱۱).

البته شناخت دارای مراحل است که به بیان امام صادق علیه السلام از شناخت خداوند آغاز می‌شود:
اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ...؛ خدایا! خودت را به من بشناسان! چرا که اگر خودت را به من نشناسانی، رسالت را نخواهم شناخت... (کلینی، بی تا، ج ۱: ۳۷۱).

همان‌طور که در این دعای شریف آمده، این شناخت خداوند است که راه گشای معرفت امام بوده و چشم دل را که از چشم بصر مهم‌تر است، بینا می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

ذَهَابُ الْبَصَرِ خَيْرٌ مِنْ عَمَى الْبَصِيرَةِ؛ کوری چشم بهتر از کوری دل است (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷: ۴۱).

چرا که با کوری بصر جابر بن عبدالله انصاری می‌شوی؛ ولی در نبود بصیرت سرنوشت چنین شخصی از طلحه و زبیر بهتر نخواهد بود!

۲. بصیرت عملی

«بصیرت عملی»، بدان معناست که اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در اطاعت و پیروی از امام خود کوتاهی نمی‌کنند و مطیع و فرمان بردار مخلص آن حضرت هستند.

عمل عبادی و البته با بصیرت، انسان را به مقصد می‌رساند. لذا امام صادق علیه السلام فرمود:
الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا؛ کسی که بدون آگاهی عمل می‌کند، همچون کسی است که از بیراهه می‌رود که هرچه بر سرعت سیر خود بیفزاید، از جاده اصلی دورتر می‌شود (کافی، بی تا، ج ۱: ۴۳).

بر اساس روایات، یاران امام زمان علیه السلام در اوج بصیرت عملی و اطاعت هستند که می‌توان

آن را در دو بعد بررسی کرد:

الف. اطاعت از خداوند

قدم اوّل بصیرت عملی، اطاعت از دستورات، اوامر و نواهی خداوند است که اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در این زمینه، سرآمد همگان هستند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

فَهُمُ الَّذِينَ وَحَدُوا اللَّهَ حَقَّ تَوْحِيدِهِ؛ آنان به وحدانیت خداوند، آن چنان که حق وحدانیت اوست، اعتقاد دارند؛ (کامل سلیمان، ۱۳۷۶: ۲۲۴).

در حدیثی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد آنان می‌فرماید:

مُجِدُّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ؛ آنان در طریق عبودیت خداوند اهل جدیت و تلاشند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۲۰۷)

تأیید و رضایت الاهی از این اطاعت محض در قرآن مورد اشاره واقع شده است؛ آن جا که خداوند می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا، مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ و يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ و لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ و اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از آیین خود باز گردد [به خداوند زیانی نمی‌رساند] خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندانند. آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراس ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد و شایسته ببیند، می‌دهد و [فضل] خداوند وسیع و داناست (مائده: ۵۴).

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید:

هُمُ اصْحَابُ الْقَائِمِ عليه السلام؛ آنان یاوران امام قائم عليه السلام هستند (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۴۷۵).

همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

صاحب این امر، در پرتو این آیه [در حمایت چنین یارانی آگاه و دلاور] محفوظ است (بحرانی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۴۹۷).

اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در پرتو اطاعت از خداوند، هم محبوب خداوند هستند و هم از

سرزنش هیچ سرزنش کننده ای، هراسی به دل راه نمی دهند.

ب. اطاعت محض از امام

اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام کسانی هستند که با دل و جان و آگاهی و بصیرت تمام، از دستورات امام خود پیروی می کنند و در عمل، التزام، پایبندی و تعهد خود را به ایشان نشان می دهند. این طاعت، در طول اطاعت و فرمان برداری از دستورات خداوند است.

اگر به صرف اطاعت خداوند، بصیرت حاصل می شد، نباید شاهد وجود افرادی مانند خوارج در برابر امامان در طول تاریخ می بودیم. بنابراین، اطاعت از امام گویای درستی و حقیقی بودن ویژگی اول است.

درخشش یاران امام زمان علیه السلام در اطاعت از محبوب خود در کلام امام صادق علیه السلام چنین به تصویر کشیده شده است:

رَجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ زُرْبُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ... هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا كَالْمَصَابِيحِ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ الْقَنَادِيلُ؛ مردانی که دل هایشان به سان پاره آهن است. در ایمانشان به خدا و وعده ی او ذره ای تردید ندارند و باور آنان از کوه سخت تر است... ایشان در فرمانبرداری از سالار خویش مطیع تر از کنیز نسبت به مولای خود می باشند. آنان بسان چراغ های روشن گردند... دل هایشان بسان مشعله های پر نور است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۰۸).

اگر چنین اطاعتی از امام زمان علیه السلام وجود نداشته باشد، هیچ حرکتی به ثمر نمی رسد؛ چنان که در انقلاب اسلامی اطاعت برخی از بزرگان در پیشبرد انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشت. یکی از این افراد میرزا جواد آقا تهرانی علیه السلام بود. ایشان در مشهد، یکی از علمای بزرگ بود و بر خلاف امام خمینی علیه السلام که علاوه بر فقه و اصول استاد عرفان و فلسفه بودند؛ وی از بزرگان مکتب تفکیک و مخالف عرفان و فلسفه بود. همین شخصیت با سن بالا و عدم توانایی، در مواردی متعدد در لیبیک به فرمان امام خمینی علیه السلام به جبهه رفت؛ با این اعتقاد که اطاعت از امام خمینی واجب است؛ با این که در مباحث علمی با امام خمینی علیه السلام رویه ای

متفاوت داشت.^۱

امام صادق علیه السلام در روایتی ویژگی پیروان امام زمان علیه السلام را چنین بیان می‌کند:

طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته و المطين له في ظهوره أولئك أولياء الله الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون؛ خوشا به حال شیعیان قائم علیه السلام که در زمان غیبتش منتظر ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او. آنان اولیای خدا هستند؛ همان‌ها که نه ترس آن‌ها را فرا می‌گیرد و نه اندوهگین می‌شوند (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۹).

امام صادق علیه السلام راز و حلقه اتصال این زمینیان با عرشیان را در مناجات‌ها و ناله‌های شبانه آنان می‌داند:

رَجَالٌ لَا يَتَأَمُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوَىٰ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَىٰ النَّحْلِ يَبْتَئُونَ قِيَاماً عَلَىٰ أَطْرَافِهِمْ وَ يَصْبِحُونَ عَلَىٰ خِيُولِهِمْ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَ بِالنَّهَارِ؛ بزرگ مردانی که شب‌ها را نمی‌خوابند. برای آن‌ها زمزمه‌ای است در نمازشان، همچون زمزمه انبوه زنبوران. شب‌ها را شب زنده داری می‌کنند، و صبح می‌کنند در حالی که بر مرکب‌های خویش سوارند [و آماده پیکار] راهبان شب هستند و شیران روز (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۰۸).

این تشبیه‌ها در روایات واقعاً در نوع خود بی نظیر است؛ چون بالاترین مثال برای بهترین اطاعت در عرف انسان‌ها نحوه اطاعت پذیری برده در مقابل مولای خویش است و حال آن که امام صادق علیه السلام که خود بالاترین مرتبه را در عبادت دارند، در وصف یاران امام زمان علیه السلام اطاعت آنان را حتی از برده در مقابل ارباب خویش بالاتر می‌دانند. قطعاً این نحوه اطاعت در پرتو آن اعتقاد اولیه به یگانگی خداوند متعال است.

۳. بصیرت سیاسی

اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام در شناخت مسائل و موضوعات سیاسی و گزینش راه

۱. برای آگاهی از ابعاد الهی این شخصیت و علاقه‌مندی ایشان به امام خمینی علیه السلام و بالعکس، به بحث استاد رحیم پور ازغدی با عنوان تشیع انگلیسی، اسلام آمریکایی مراجعه شود.

درست، از بصیرت بالایی برخوردار هستند. راه خطا و اشتباه نمی روند و در فتنه‌ها و آشوب‌های سیاسی، گرفتار انحراف نمی‌شوند.

مهم‌ترین عامل انحراف سیاستمداران، ترس از قدرت مداران و دنیا پرستی است که امیرالمؤمنین علیه السلام یاران امام زمان علیه السلام را از این دو خصلت بری می‌دانند:

يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، لَا يَسْتَوْحِشُونَ مِنْ أَحَدٍ وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ يُدْخَلُ فِيهِمْ؛ خداوند بین دل‌های آن‌ها الفت برقرار می‌کند. ایشان از کسی و قدرتی وحشت ندارند و نه به خاطر پیوستن فرد یا قدرتی به گروهشان به شادمانی و غرور دچار نمی‌گردند» (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۱، ج ۳: ۱۰۰).

عامل دیگری که گریبان بسیاری را در طول تاریخ گرفته و موجب انحراف یاران اهل بیت حتی خواص بوده، فتنه‌ها است؛ ولی یاران امام زمان علیه السلام عاری از آن هستند: امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

إِبَانُ وُرُودِ كُلِّ مَوْعُودٍ وَ دُؤُومٌ مِنْ طَلْعَةِ مَا لَا تَعْرِفُونَ أَلَا وَ إِنَّمَنْ أَدْرَكَهَا مِنْ سَيْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُبِيرٍ وَ يَخْذُو فِيهَا عَلَيَّ مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحِلَّ فِيهَا رَبِّقًا وَ يُعْتَقَ فِيهَا رِقًا وَ يَصْدَعُ شَعْبًا وَ يَشْعَبُ صَدْعًا فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ ثُمَّ لَيْشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّضْلَ تُجَلِّي بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارَهُمْ وَ يَرْمِي بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَ يُعْبِقُونَ كَأَسِّ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ؛ آگاه باشید! هر کس از ما که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشن در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش پیامبر و امامان رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید؛ بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد؛ جمعیت‌های گمراه و ستم‌گر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را جمع‌آوری می‌کند. اثر قدمش را نمی‌شناسند؛ اگر چه دریافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌گردند و چونان شمشیرها صیقل می‌خورند؛ دیده‌هایشان با قرآن روشنایی می‌گیرد. در گوش‌هایشان تفسیر قرآن طنین‌افکند و در صبحگاهان و شامگاهان جام‌های حکمت سرمی‌کشند (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۰).

عامل دیگر در جاماندن یاران، عدم آگاهی و بینش به فضای کشور و نقشه و حيله دشمن بود؛ اما یاران امام زمان علیه السلام دارای بینش سیاسی، در سطح بالا هستند. از امام باقر علیه السلام چنین

نقل شده است:

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ، فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سِيَاحِ الْأَرْضِ وَ سِيَاحِ الطَّيْرِ، يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى تَفْخَرَ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولَ: مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ گویی می بینم که اصحاب قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر آنچه بین مشرق و مغرب عالم است، احاطه دارند. پس هیچ چیز در عالم نیست، مگر این که مطیع و فرمانبردار یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ است؛ حتی درندگان هوا و زمین، همه در پی کسب رضایت آن‌ها هستند؛ به گونه‌ای که قطعه زمینی بر قطعه دیگر به خود می‌بالد و به آن می‌گوید: امروز یکی از اصحاب قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر من گذر کرد (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۳۱).

در سفری که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از کوفه عازم مدینه بودند، علما و بزرگان، از جمله ابراهیم ادهم و ابن ثوری، آن حضرت را تا بیرون کوفه مشایعت می‌کردند. عده ای نیز جلوتر از امام حرکت کرده بودند. ناگاه شیری درنده راه را بر آن‌ها می‌بندد. ابراهیم ادهم می‌گوید: بایستید تا امام برسد و واکنش او را ببینید. وقتی آن حضرت می‌رسد و جریان را به او می‌گویند، آن جناب پیش می‌رود و گوش حیوان را می‌گیرد و حیوان را از جلو راه دور می‌کند. سپس امام روی به جمعیت می‌کند و می‌فرماید: اگر مردم خداوند را آن‌طور که شایسته است بندگی کنند؛ خواهند توانست بارهای سنگین خود را با چنین حیوانی حمل کنند (خسروی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۶).

این بصیرت همیشه راه گشای شیعه بوده است و جامعه تشیع را از تلاطم‌های زیادی نجات داده است. در عصر ظهور و قبل از انقلاب جهانی نیز این بصیرت، راهگشای جامعه منتظر خواهد بود و یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را از خطرات و انحرافات مصون نگه خواهد داشت.

۴. بصیرت اجتماعی

کسانی که می‌خواهند در جامعه منشأ اقدامی باشند و در انزوا نمانند، به «بصیرت اجتماعی» احتیاج دارند. این‌ها باید بتوانند حق از باطل را تشخیص دهند و در مقابل شبهات کمر، خم نکنند. این‌ها بایستی به این نکته آگاه باشند که همیشه، باطل، خود را خالص و

بدون نقاب عرضه نمی‌کند؛ بلکه به طور معمول نقاب حق بر چهره دارد و به گونه ای با حق در می‌آمیزد که این دو از هم قابل تشخیص نیستند و چه بسا مردم را به اشتباه و حیرت می‌اندازند.

در این دوران، با وجود دشمنان گوناگون و شگردهای آنان گام رهایی از دام دشمنان بصیرت و آگاهی در برابر اهداف شوم و پلید آنان است. باید بصیرت را در خود تقویت کرد تا ابزارهای دشمن را شناخته و در مقابل آن ایستادگی کنیم^۱.

بصیرت در حرکت و موضع‌گیری اجتماعی، آن‌گاه بیش‌تر لازم است که غفلت و حیرت جامعه را فراگرفته و ارزش‌ها وارونه شده باشند. این فضای غبار آلود و خواب‌کننده چشم‌های خواص و عوام، در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به صورت آشکار وجود دارد.

امیرالمؤمنین در بیانی زمان ظهور را چنین به تصویر می‌کشند:

.... يَخْرُجُ عَلَيَّ حِينَ غَفْلَةٍ مِنَ النَّاسِ؛ حضرت مهدی علیه السلام وقتی قیام می‌کند که غفلت مردم را فراگرفته است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۱، ج ۴: ۵۱).

البته دو غفلت را روایت بیان می‌کند: غفلت از ظهور و غوطه‌ور بودن در امور زندگی و غفلت از آمادگی برای ظهور و اطاعت از امام زمان علیه السلام که بصیرت را نشانه گرفته است.

ابتدا در این حمله شیاطین، باید با سلاح بصیرت حرکت کرد و این روش امیرالمؤمنین علیه السلام است که می‌فرمایند:

أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حَزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَ رَجَلَهُ وَ إِنَّ مَعِيَ لِبصيرتِي مَا لَبَّسْتُ عَلَيَّ نَفْسِي وَ لَا لُبَّسَ عَلَيَّ وَ أَيْمُ اللَّهِ لَأُفْرِطَنَّ لَهُمْ حَوْضًا أَنَا مَا تَحَهُ لَا يَصْدُرُونَ عَنْهُ وَ لَا يَعُودُونَ إِلَيْهِ؛ آگاه باشید که شیطان سواره و پیاده‌اش را فراخوانده و بر شما تاخته است. همانا در چنین موقعیتی بصیرت و بینش من با حق است. حق را با لباس باطل بر خود نپوشیده‌ام و لباس باطل را به صورت حق بر من نپوشانیده‌اند. به خدا سوگند برای دشمنان دین، حوضی را پرکنم که خود کشنده آب آن باشم و هر که در آن حوض پا نهاده دیگر بیرون نیاید و هر که

۱. پخش مصاحبه با آیت الله جوادی آملی از سیما، در راهپیمایی روز قدس.

بیرون آمد، دیگر به سوی آن باز نگردد (نهج البلاغه: خطبه ۱۰).

امیرالمؤمنین در وصف یاران حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

قَوْمٌ... لَمْ يَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ، وَلَمْ يَسْتَعْظِمُوا بَدَلَ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ؛ حَتَّى إِذَا وَافَقَ وَارِدَ الْقَضَاءِ انْقِطَاعَ مُدَّةِ الْبَلَاءِ، حَمَلُوا بِصَائِرِهِمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ، وَدَانُوا لِرَبِّهِمْ بِأَمْرِ وَعَظْمِهِمْ؛ گروه دیگری [یاران مهدی علیه السلام] ... به جهت بردباری‌شان بر خداوند منت نمی‌نهند و از این که نقد جان خویش را در کف اخلاص نهاده‌اند، احساس بزرگی نمی‌کنند، تا آن که به فرمان خدا دوران آزمایش به پایان رسد و آن‌ها بصیرت‌ها و درک‌ها و آگاهی‌های خود را روی شمشیرهایشان حمل می‌کردند و به فرمان واعظ خویش به پرستش پروردگارشان پرداختند (همان: خطبه ۱۵۰).

البته این یاران بصیر، هجمه شیاطین را هم به فرصت تبدیل می‌کنند؛ چرا که خداوند آنان را چنین توصیف نموده است:

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ چون اهل تقوا را از شیطان، وسوسه و خیالی به دل فرا رسد، همان دم خدا را به یاد آرند و همان لحظه بصیرت و بینایی پیدا کنند (اعراف: ۲۰۱)؛ و این ویژگی صالحین است.

آنچه شایان ذکر است بصیرت اجتماعی در روایات دارای ویژگی‌های متنوعی است که به چند مورد اشاره می‌شود:

۱.۴. اتحاد و همدلی

يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، لَا يَسْتَوْحِشُونَ مِنْ أَحَدٍ وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ يُدْخَلُ فِيهِمْ؛ خداوند بین دل‌های آن‌ها الفت برقرار می‌کند. ایشان نه از کسی و قدرتی وحشت دارند و نه به خاطر پیوستن فرد یا قدرتی به گروهشان به شادی و غرور مبتلا می‌گردند. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸، ج ۴: ۵۵۴).

امام باقر علیه السلام در کلامی دیگر، به بُعد جدیدی از همدلی اشاره می‌فرماید که نزد ما انسان‌های امروزی خیلی عجیب است. البته شاید این تعجب چندان هم خالی وجه نباشد؛ زیرا وقتی امام باقر علیه السلام نیز از این همدلی از یاران خود سؤال می‌کنند، برای آنان نیز این همه

همدلی عجیب است. حضرت می‌فرمایند:

... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرْأَمَلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می‌شود. هر نیازمندی دست می‌برد و از جیب برادر ایمانی اش به مقدار نیاز بر می‌دارد و برادرش او را منع نمی‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۷۲).

این اتحاد زمانی آشکار تر می‌شود که روایات فراوان در زمینه اختلافات مردم و دوری قلب‌ها در آخرالزمان را بنگریم.

۲.۴. بیداری در برابر شبهه‌ها

ویژگی دیگر از بصیرت اجتماعی، بیداری در برابر شبهات است. آن جا که سوابق درخشان هم گاهی فایده نکرده و انحراف افراد سرشناسی را رقم زده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوْائِسُ؛ آن که به زمان خویش آگاه است، شبهات بر او هجومه نخواهد کرد (حکیمی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۰۴).

امام سجاد علیه السلام در وصف یاران امام زمان علیه السلام می‌فرمایند:

يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيَّةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاةَ إِلَيَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا؛ ای ابوخالدا! مردمانی که در روزگار غیبت به سر می‌برند و معتقد و منتظرند، از مردمان همه زمان‌ها برترند؛ زیرا خداوند متعال به آنان خرد و فهم و معرفتی داده که غیبت امام زمان علیه السلام برای آنان مانند حضور است. خدا این مردم را مانند سربازان پیکارگر صدر اسلام قرار داده است؛ همانند کسانی که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر می‌زدند و پیکار می‌کردند. آنانند اخلاص‌پیشگان حقیقی و شیعیان واقعی. آنانند که در نهان و عیان مردم را به دین خدا دعوت می‌کنند (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۲۰).

این مطلب نشان می‌دهد که چنین جامعه‌ای با این افراد، از امتیازات خاصی برخوردار است

که حضرت علی علیه السلام در مورد آنان می‌فرماید:

لَمْ يَسْبِقُهُمُ الْأَوْلُونَ وَلَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ؛ آنان در شایستگی و امتیازات بر اوج رفیعی هستند. نه از نسل‌های گذشته کسی از آنان پیشی گرفته است و نه از آیندگان کسی به مقام والای آنان می‌رسد. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸، ج ۴: ۵۵۴).

در کلامی دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف انسان بصیر در جامعه که مصداق بارز آن یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام می‌باشند را چنین توصیف می‌فرماید:

أَمَّا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَنَظَرَ فَابْصَرَ وَاتَّقَعَ بِالْغَيْرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا وَاضِحًا؛ انسان با بصیرت کسی است که بشنود و خوب بیندیشد و بنگرد و ببیند و از تجارب دنیا بهره گیرد، سپس در راه روشن حرکت کند (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۳).

این بینایی ژرف و عمیق موهبتی الهی است برای یارانی که تا آخرین لحظه در کنار امام خویش باقی می‌مانند؛ همانند حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام که امام صادق علیه السلام ایشان را چنین وصف می‌کنند:

كَانَ عَمِنَا الْعَبَّاسُ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ؛ عموی ما، عباس بصیرت نافذ داشت (ابی مخنف، بی تا: ۱۷۶).

جهانی که خداوند آفریده، مغلوب این نگاه تیز بین و عمق نگر است؛ و البته اگر این نگاه مرعوبانه باشد، دنیا او را می‌بلعد. برای رسیدن به درک صحیح از کلمات در گونه مولا علی علیه السلام مدد می‌گیریم که فرمود:

وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصْرَتَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ؛ کسی که [با چشم بصیرت] به دنیا نگریست، دنیا حقیقت را به وی می‌نمایاند [و او را آگاهی می‌بخشد] و آن کس که در دنیا نگریست [چشم به دنیا دوخت] او را کور [دل] می‌نماید (نهج البلاغه: خطبه ۸۳).

بنابراین کسی که ویژگی بصیرت در ابعاد مختلف را به همراه دارد از بیداری جامع و کاملی برخوردار بوده و در همه پستی بلندی‌ها در کنار امام زمان خود خواهد بود.

۳.۴. ساده زیستی

ویژگی دیگر یاران مهدی علیه السلام ساده زیستی آنان است که در جامعه پیشرفته دوران ظهور نشانه انسان‌های راستین است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ كَانَ عَلَى رُءُوسِهِمُ الطَّيْرَ قَدْ
فَيَّتْ أَزْوَادَهُمْ وَخَلَقَتْ ثِيَابَهُمْ قَدْ أَثَرَ السُّجُودَ بِجِيَاهِهِمْ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ
كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا لَا يَقْتُلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا
كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا وَقَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوَسُّمِ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ بِقَوْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ؛ گویا که قائم و یاران او را می بینم که در نجف [کوفه]
اجتماع کرده و پرندگانی بر سر آنها پرواز می کنند. توشه های آنها کاستی
گرفته؛ جامه های آنها کهنه شده و نشان سجده بر پیشانی آنها نقش بسته
است. آنها شیران روز و زاهدان شب‌اند. دل‌هایشان مانند پاره های آهن [محکم
و استوار] است و هر کدام از آنها توان چهل مرد را دارا هستند. هیچ یک از
آنها کشته نمی شود، مگر به دست کافر یا منافق. خداوند تعالی در کتاب عزیز
خود از آنها با عنوان اهل بصیرت و تیزیابی یاد کرده است؛ آن‌جا که می
فرماید: در این [عذاب] برای اهل بصیرت نشانه‌هایی نهفته است (مجلسی،
۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۸۶).

اهمیت این بخش در آن است که اگر افرادی در پی امام خود بوده و در تلاشند هیچگاه از
او فاصله نگیرند باید در ویژگی‌های متعدد هم‌رنگ با ایشان باشند و یکی از ویژگی‌های مهم
انبیای الهی و اهل بیت علیهم‌السلام ساده‌زیستی بوده که در پرتو آن شیاطین هوس‌باز و دنیاپرست با
عرضه زیبایی‌های حرام دنیا نتوانستند کوچکترین انحرافی در مسیر الهی آنان ایجاد کنند.
در نتیجه یاران خاص امام زمان علیه‌السلام در پرتو این ویژگی از این انحراف که اهل دنیا در آن
غوطه‌ورند، مصون هستند.

۴.۴. صبر و شکیبایی

ویژگی زیبای دیگر یاران مهدی علیه‌السلام صبور بودن آنان است که این هم از بصیرت آنان
سرچشمه گرفته است. این منش زیبا را حضرت صادق علیه‌السلام از زبان نیکوی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین
نقل می‌کند:

سَيَأْتِي قَوْمٌ مِّنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ
نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَدْرًا وَ أَحَدًا وَ حَتِّينَ وَ نَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا لِمَا
حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ؛ بعد از شما قومی خواهند آمد که پاداش هر یک از

آن‌ها برابر پاداش پنجاه تن از شماست. گفتند: یا رسول الله! مگر نه این است که ما در حضور شما در جنگ بدر و احد و حنین شرکت جستیم و قرآن در میان ما نازل شده است؟! فرمود: اگر آنچه بر آن‌ها روی خواهد داد، بر شما روی می‌داد، شما هرگز نمی‌توانستید چون آن‌ها صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۴۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۱۳۰).

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، «بصیرت»، گذر از بصر است تا در پرتو آن، به بصیرت رسیده و در پرتو آن نسبت به ولی خداوند دارای شناخت، معرفت درست و عمیق شود و بصیرت قوه قلبی است که به نور قدس روشن گردیده و صاحب آن حقایق و بواطن وقایع و فتنه‌ها را درمی‌یابد. «بصیرت» مولفه‌ها و ابعاد گوناگونی دارد که عبارتند از: «بصیرت اعتقادی» که یاران امام زمان علیه السلام در پرتو اعتقاد و ایمان کامل به خداوند ایمان کامل به امام خویش دارند.

«بصیرت عملی» که بر اساس روایات یاران حضرت در اوج بصیرت عملی و اطاعت محض از ولی خداوند هستند.

«بصیرت سیاسی» که یاران حضرت در شناخت مسائل و موضوعات سیاسی از چنان بصیرتی برخوردارند که هیچ‌گاه در فتنه‌ها و آشوب‌های سیاسی به خطا نخواهند رفت.

«بصیرت اجتماعی» که در پرتو آن، در رفتار و سلوک اجتماعی و برخورد با مسائل اجتماعی سرآمد انسان‌های روزگار خویش می‌باشند.

در نتیجه این یاران که در کمال انسانیت قرار دارند، باعث پیروزی حرکت جهانی حضرت خواهند شد و به همین دلیل است که بهترین‌های عالم در دوره رجعت به آنان ملحق خواهند شد. البته این نکته قابل ذکر است که بصیرت دارای مراتب است که بالاترین آن به ائمه معصومین علیهم السلام متعلق است. البته این پژوهش در پی بیان اصل موضوع بوده بدان امید که برای نوشتن مقالاتی چند در خصوص ابعاد شخصیتی یاران امام زمان علیه السلام به عنوان فتح بابی قلمداد گردد.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد (۱۴۰۷ق). *غررالحکم*، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
 ۲. آیتی، نصرت الله (۱۳۸۱). *یاوران مهدی، فصلنامه علمی - تخصصی انتظار*، شماره ۳، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
 ۳. ابن بابویه، علی (۱۴۰۴ق). *الامامه و التبصره من الحیره*، قم، مدرسه الامام مهدی علیه السلام.
 ۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *کشف الغمّة فی معرفة الائمه علیهم السلام*، مصحح: رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی.
 ۵. ازدی، أبو مخنف (بی تا). *مقتل أبي مخنف*، تحقیق: حسین الغفاری، قم، مطبعة العلمية.
 ۶. بالادستیان، محمد امین و دیگران (۱۳۹۱). *نگین آفرینش*، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
 ۷. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۹ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، اول، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
 ۸. حاکم النیشابوری، ابو عبدالله (۱۴۱۸ق). *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار المعرفة.
 ۹. حرعاملی، محمد (۱۴۲۵ق). *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، بیروت، اعلمی.
 ۱۰. حکیمی، محمد رضا، محمد و علی (۱۴۱۰ق). *الحیة*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۱. خسروی، موسی (۱۳۸۶). *پند تاریخ از سقیفه تا نینوا*، تهران، اسلامیه.
 ۱۲. دشتی، محمد (بی تا). *نهج الحیة*، نهم، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
 ۱۳. دفتر تبلیغات (۱۴۳۱ق). *ره توشه راهیان نور*، قم، نشر رشید.
 ۱۴. دیلمی، حسن (۱۴۱۲ق). *ارشاد القلوب*، بی جا، انتشارات شریف رضی.
 ۱۵. سلیمان، کامل (۱۳۷۶). *یوم الخلاص*، تهران، آفاق.
 ۱۶. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۵). *درسنامه مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
 ۱۷. سیدرضی (۱۳۸۶). *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات امیرالمؤمنین علیه السلام.
 ۱۸. شیخ الاسلامی، علی (۱۳۸۳). *شرح منازل السائرین*، تهران، دانشگاه تهران.
 ۱۹. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹ق). *منتخب الاثر*، قم، السیة المعصومة.
 ۲۰. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی (۱۳۸۰). *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح: منصور پهلوان، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دار الحدیث.
 ۲۱. طیبسی، نجم الدین (۱۳۸۶). *نشانه‌ای از دولت موعود علیه السلام*، قم، بوستان کتاب.
 ۲۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان*، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). *الغیبه*، ترجمه و تحقیق: مجتبی عزیزی، قم، مسجد مقدس جمکران.
۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر عیاشی*، تهران، المطبعة العلمية.
۲۵. کارگر، رحیم (۱۳۸۹). *تعلیم و تربیت در عصر ظهور*، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). *اصول کافی*، مترجم: سیدجواد مصطفوی، تهران، اسلامی.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). *روضه کافی*، مترجم: سیدهاشم رسول محلاتی، تهران، اسلامی.
۲۸. کمره‌ای، محمدباقر (۱۳۷۳). *در کربلا چه گذشت؟ ترجمه: نفس المهموم*، قم، اسوه.
۲۹. کورانی، علی و جمعی از نویسندگان (۱۴۱۱ق). *معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۳۰. مؤسسه انتشارات حکمت (۱۳۹۰). *دایرة المعارف تشیع*، تهران، انتشارات حکمت.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *حماسه حسینی*، قم، انتشارات صدرا.
۳۳. معین، محمد (بی تا). *فرهنگ فارسی معین*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳۴. مفید، محمد (۱۴۱۴ق). *الأرشاد*، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت، دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*، جمعی از نویسندگان، قم، دارالکتب الاسلامیه.

دراسة تحليلية روائية لمسألة البصيرة عند أصحاب الإمام

صاحب العصر والزمان عليه السلام

محسن رحيمي الجعفري^١ رحيم كاركر^٢

لا يخفى على أحد إن واحدة من البحوث المهمة والتي تناولتها في الأونة الأخيرة الأوساط السياسية الاجتماعية للبلاد واعتبرتها واحدة من المعطيات العقدية التي تحفز دوماً على الإستنهاض والحركة والثبات والتي لها جذور عميقة وضاربة في رؤيتنا الدينية هي مسألة «البصيرة» ومعنى البصيرة هي المعرفة الصحيحة والعميقة والواعية التي يمكن ان يكون لها ابعاداً ومقومات متعددة.

ومن الطبيعي بمكان القول بأن الخصائص والصفات التي يحملها أصحاب وأنصار الإمام صاحب العصر والزمان (ارواحنا لمقدمه الفداء) يمكن ان تبحث كل على حدة ولكننا هنا في مقام بيان حركة الإمام عليه السلام ومن ثم استقرار حكومته ودولته الكريمة وحاكمتها على جميع اصقاع المعمورة ولاشك فإن تحقق ذلك يرتبط بشكل اساسي إضافة الى القيادة الإلهية التي تجسدت بالإمام عليه السلام بالصفات والخصوصيات التي يكون عليها اولئك الثلة المؤمنة والصالحة من أنصار الإمام عليه السلام واعوانه وبالتالي يحصل ذلك التوفيق العظيم والنصرة الإلهية.

ولانجافي الحقيقة إذا قلنا ان أهم خصلة وصفة يتحلى بها أنصاره هي البصيرة ونظراً الى إن عملية فلسفة بعثة الأنبياء الربانيين وخلافة أهل البيت (عليهم السلام) تتجلى في تطبيق وتحقيق الحكومة الإلهية العالمية ولكن نتيجة عدم وجود البصيرة الواقعية لدى الأصحاب فإنهم لم يتمكنوا من إنزال ذلك على أرض الواقع وخابت مساعيهم بالفشل.

وتتناول هذه المقالة عنصر البصيرة وذلك في الأبعاد المختلفة سواء البعد العقدي والاجتماعي والسياسي والعملي في خصوص أنصار وأعوان مولانا الحجة بن الحسن عليه السلام وذلك من خلال الإعتماد على الأسلوب التوصيفي التحليلي والرجوع الى الآيات والروايات القرآنية الواردة عن أهل بيت العصمة والطهارة (صلوات الله عليهم).

المصطلحات المحورية: البصيرة، البصيرة العقائدية، البصيرة العملية، البصيرة السياسية، البصيرة الاجتماعية.

١طالب في المرحلة الثالثة في مركز المهدوية التخصصي .

٢عضو في الهيئة العلمية في مركز ومعهد دراسات العلوم والثقافة الإسلامية .